

سیاسی می شوید، سپس وابسته سیاسی برای مدت سه سال، سپس دبیر سه برای مدت سه سال، سپس دبیر دو برای مدت سه سال، بعد از آن دوره‌ای می گذرانید و در صورت قبولی در آزمون، دبیر یک می شوید. دوباره سه سال طول می کشد تا راین سه و سه سال دیگر تا راین دو شوید. بعد از آن یکبار دیگر دوره می بینید و اگر در آزمون پذیرفته شدید، می شوید راین یک. پس از سه سال توقف در مقام راین یکمی، واجد شرایط سفیر شدن هستید. به اینها می گویند مقام های سیاسی. وقتی به راین یکمی رسیدید دیگر مهم نیست پست تان چیست و رئیس اداره هستید یا معاون وزیر، بلکه با توجه به عملکرد تان واجد شرایط سفیر شدن هستید.

■ چند سال از راین یکمی شدن شما گذشته؟

چهار سال. البته این نکته را باید بگویم که مقام سفارت پست سفارت تفاوت دارد. در همین سلسله مراتبی که توضیح دادم، پس از راین یکمی، افراد شایسته به مقام سفارت می رسند.

■ چه تفاوتی؟

برای پست سفارت ممکن است فرد دبیر یک یا حتی راین سه باشد اما برای مقام سفیری باید مراحل قبلی را گذرانده باشید.

■ یافردی خارج از وزارتخانه باشد؛ شبیه نمونه هایی که در دوره های گذشته و این دوره هم داشتیم؟

بله، ولی به خاطر ویژگی هایش با دلایل دیگر به عنوان سفیر انتخاب شود. به این می گویند پست سفارت؛ ولی مقام چیز دیگری است و هر کسی نمی تواند به آن برسد.

■ الان کسی هست که در وزارت خارجه به این مقام رسیده باشد؟

اخیراً اقدام کرده اند که این مقام را به برخی بدهند. تا قبل از دوره آقای روحانی و دکتر ظریف، اگر اشتباه نکنم ۱۰ تا ۱۵ نفر این مقام را داشتند. این مقام تاپ ترین مقام دیپلماتیک است، خواه در یک کشور خارجی سفیر بوده باشید یا نه، ولی اغلب کسانی که به این مقام می رسند، پست سفارت هم داشته اند. در حال حاضر ۳۰، ۴۰ نفر واجد شرایط کسب این مقام شده اند. بنده هم پست سفارت بگیرم با توجه به شرایطی که در اساسنامه هست با نظر وزیر خارجه و رئیس جمهوری واجد دریافت مقام سفیری هم خواهم شد.

■ همه اینها را گفتید که بگویند سخنگو شدن تأثیری در پیشرفت های ساختاری ندارد؟ ولی قبول دارید سخنگوی وزارت خارجه، در هر حال یک سلبریتی دیپلماتیک می شود و همین به خیلی از پیشرفت های شخصی کمک می کند؟

نمی گویم تأثیر ندارد، بلکه دار و به قول شما طرف سلبریتی دیپلماتیک و شناخته می شود ولی نه اینکه اگر من سخنگو نبودم، در کشور مهمی سفیر نمی شدم.

■ قبل از سخنگوی قرار بود در کدام کشور سفیر شوید؟

یکی از کشورهای اروپایی.

■ اهمیت جایگاه سخنگوی همین جاست دیگر، قبلاً قرار بود به یکی از کشورهای اروپایی بروید و حالا به یکی از کشورهای همسایه یعنی به یک مقصد مهم تر.

قطعاً برای همه کشورها، همسایگان مهم ترین کشورها هستند و معمولاً قوی ترین دیپلمات ها را برای مأموریت به آنجا می فرستند، البته نه نمی گویم آدمی قوی هستم. کشورهای همسایه حیاتی هستند. با همین جمهوری آذربایجان که بنده قرار است بزودی عازم شوم، روابط

خوب و در عین حال حساسی داریم به دلایل مختلف، که اینجاست می شود باز ش کرد.

■ در دوران سخنگوی، هیچ گاه پیش آمد موضعی بگیرید که موضع نظام یا دولت بود ولی خودتان به آن باور نداشتید؟

بدون تعارف می گویم همه موضعی که گرفتم را باور داشتم. شاید بعضی مواقع در خصوص نوع ادبیاتش خودم تصمیم می گرفتم چون برخی مواضع را چک نمی کردم و عمدتاً سیاست های کلی را می داشتم، مگر در موارد خاص که خب باید با خود وزیر چک می کردم یا با دوستان در شورای عالی امنیت ملی. همچنین مواردی که حساسیت های نظامی یا قضایی دارد را با استاد کل نیروهای مسلح و قوه قضائیه چک می کردم.

■ در بعضی از مواضع دچار تکرار ادبیات شده ایم. برای مثال، شاید در طول دودهم گذشته همه سخنگوها در خصوص بعضی بحث های مشخص، ادبیات کاملاً یکسان داشته اند! درست است که موضع نظام ممکن است تغییری نکرده باشد، اما آیا تنوع ادبیاتی نیاز نیست؟

بعضی مواضع، مواضع اصولی است و نمی توان ادبیاتش را عوض کرد. نمی توان ادبیات جملاتی مثل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، استقلال قوا در ایران یا زندانی های دوتابعیتی در ایران را عوض کرد ولی لحن را می توان تغییر داد و با لحنی متفاوت صحبت کرد. من تلاش کردم این نوع تنوع را به خرج بدهم. در واقع سعی کردم در مواضع اصولی خودمان، بیان جدیدی داشته باشم یا حقوقی تر صحبت کنم. اما با اغلب مواضع نمی توان اینگونه برخورد کرد.

■ همین تکرارها اخیراً کار دست وزارت خارجه داد و بیانیه سالروز ر بوده شدن چهار دیپلمات ایرانی دقیقاً بیانیه سال قبل بود؛ حتی تاریخش هم تغییر نکرده بود!

این بیانیه یک بحث فنی داشت؛ ببینید حرف ما بعد از ۳۸ سال در باره این اتفاق همان است و تا وقتی دلایل متقن و محکم مبنی بر شهادت این بزرگواران وجود نداشته باشد، ما باید همان مطالبه را داشته باشیم، با همان ادبیات و همان شیوه. اما اینکه امسال چه شد، قصه از این قرار بود که دوستان من بیانیه ها را از ادارات ذیربط منطقه ای شان مطالبه می کنند، بعد کمی آن را پردازش می کنند، ادبیاتش را تغییر می دهند و سپس منتشر می کنند. دوستان محترم منطقه خاور میانه راجع به این سالگرد چند روز قبل بیانیه ای در اختیار همکاران بنده قرار داده بودند. خب طبق معمول شکله اصلی همان بود و باید می بود. همکاران من قبل از انتشار رفته بودند بیانیه امسال را با سال قبل مقایسه کنند تا ببینند چقدر تفاوت دارد، همین باعث شده بود تا در زمان انتشار دچار اشتباه شوند و بیانیه سال قبل را به جای امسالی منتشر کنند. وقتی این اتفاق افتاد بنده همکاران را باز خواست کردم. اول خیال می کردم خطا از بخش خاور میانه بوده، بعد فهمیدم این خطای سهوی از همکاران خودمان سر زده است.

■ در خصوص ماجرای دیپلمات های ر بوده شده، امسال بحث قطعی بودن شهادتشان بسیار اوج گرفت و...

ممکن است خیلی ها بگویند این بزرگواران به شهادت رسیده اند، اما بعد از آن باز شواهدی به دست ما رسیده که زندانیانی از زندان رژیم صهیونیستی چه لبنانی و چه غیره، پس از آزادی می گفتند ما این افراد را دیده ایم. باید یقین حاصل شود.

■ امسال حتی نقل قولی از سردار سلیمانی هم در خصوص شهادت آنها مطرح بود.

نقل قول از ایشان بود، اما بنده نمی دانم چقدر سندیت دارد. اگر این موضوع برای شهید سلیمانی محرز بود، شاید پار سال یا سال های قبل می گفتند. شاید حدس سردار این بوده یا اطلاعاتی داشتند، ولی خب اگر متقن بود، ایشان حتماً منتقل می کردند و مواضع کشور متفاوت می شد.

■ خیلی های می گفتند در مانور دادن روی اسارت این افراد مصلحت و منفعتی است!

چه مصلحتی؟ آن هم بعد از ۳۸ سال. قصه فرسایشی می شد اگر چنین مصلحتی که می گویند در کار می بود. بنده احساس نمی کنم مصلحت ویژه ای در کار باشد؛ بالاخره هم خانواده های این بزرگواران و هم نظام علاقه مند هستند از بیانات تکلیفی دریابند.

■ اشاره کردید که حضور مؤثر در فضای مجازی یکی از نیازها در حوزه دیپلماسی است و شخصاً هم شبیه آقای وزیر برای این فضا وقت کافی صرف می کنید. آقای ظریف بارها گفته اند شاید برای نوشتن یک توثیق چند خطی، دو سه روز وقت بگذارند. شما چطور؟

من دو نوع توثیق می زدم: توثیق های فارسی که از باب رئیس مرکز دیپلماسی عمومی وزارت خارجه بودن و توثیق های انگلیسی برای اعلام مواضع. ضمن اینکه ما مواضع را در وب سایت، کانال تلگرامی و... هم می گذاریم، ولی آبسترکتش را می گرفتم و به انگلیسی توثیق می زدم.

■ توثیق های انگلیسی را هم خودتان می نویسید یا از کسی کمک می گیرید؟

تیمی هستند که در توثیق های انگلیسی به من کمک می کردند و جملات را با هم پایین و بالا می کردیم. اعلام موضع در فضای محدود ۲۸۰ کارا کتری خیلی سخت است و باید لب مطلب را منتقل کنیم. خود من از آن قدیم ها که شما هنوز به دنیا نیا آمده بودید وبلاگ داشتم و برای خودم یک پایا لگر بودم؛ البته با اسم خاص!

■ همیشه از مطرح شدن اسم تان ابا داشتید. لابد مصلحت سنجی و عافیت طلبی در کار بوده!

نمی شود اسمش را این گذاشت. همانطوری که گفتم در ایران خیلی مرسوم نیست و بعضاً مسائل بی جهت یا رقابت یا تحریب ایجاد می شود که طرف ترجیح می دهد بدون نام یا با اسمی مستعار کارهای این چنینی اش را به پیش ببرد. من فعال مجازی بودم، دوست داشتم هم بخوانم و در عین حال خیلی هم شناخته نشوم. شما یادتان نیست اقبل از فیس بوک، یک دوره ای ارکات آمده بود، بعد ۳۶۰ آمد و بعد فیس بوک. من در همه اینها حضور داشتم. الان هم همه جا هستم؛ هر بستری در فضای مجازی که فکر می کنید باشد، بنده در آنجا هستم.

■ توثیق ها را قبل از انتشار با شخص وزیر چک می کردید؟ اگر توثیق انگلیسی مستقل و قبلاًش درباره آن موضعی گرفته نشده باشد، چک می کردم. اما گاهی اوقات موضعی که قبلاً گرفته بودم را خلاصه می کردم و به انگلیسی توثیق می زدم تا استیکار هم ببیند. [خنده]

■ اگر در ۱۴۰۰ دولتی سر کار بیاید که به لحاظ سیاسی و بویژه سیاست خارجی در نقطه کاملاً متفاوت از دولت فعلی قرار گرفته باشد، شما از آن دسته دیپلمات هایی خواهید بود که به حاشیه می روید؟

اساساً نباید این طور باشد و دوره آقای ظریف و آقای روحانی هم این طور نشد. آقای ظریف بسیاری از مدیران کل دولت قبلی را به عنوان سفیر در کشورهای مختلف